

نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی

پریسا سادات بهبهانی نیا*
استادیار گروه حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
جواد معصومی
عضو هیات علمی دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

چکیده

هدف این تحقیق بررسی نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران بوده است. بر اساس ادبیات تحقیق افشای باکیفیت سبب عمومی شدن برخی اطلاعات محرمانه، کاهش میزان احتکار اطلاعات توسط مبادله کنندگان مطلع و کاهش انگیزه سرمایه گذاران برای کسب اطلاعات محرمانه می شود؛ لذا انتظار می رود افزایش کیفیت حسابرسی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد. برای دست یابی به هدف تحقیق یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی تدوین شدند که این فرضیه‌ها که ارتباط معنادار منفی میان کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی را در نظر میگیرند. در این پژوهش از دو معیار اندازه موسسه حسابرسی و گردش حسابرس به منظور سنجش کیفیت حسابرسی استفاده شده است. جامعه تحقیق متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق حاکی از عدم اثر گذاری کیفیت حسابرسی بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران است.

واژگان کلیدی: عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی، گردش حسابرس

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۸/۲۳
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: p.behbahaninia@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

زمانی که مدیران و فعالان بازار در ارتباط با بنگاه اقتصادی اطلاعات یکسانی داشته باشند، تقارن اطلاعاتی وجود دارد. درموقعیت عدم تقارن اطلاعات، مدیران به دلیل دارا بودن اطلاعات خصوصی و محرمانه درباره شرکت اطلاعات بیشتر و بهتری نسبت به بازار در اختیار دارند، یعنی قبل از افشای عمومی به اطلاعات خاصی از شرکت دسترسی پیدا میکنند، که این اطلاعات با گذشت زمان از طریق رویدادهای افشا کننده، به بازار منتقل می شود. تقاضا برای گزارشگری مالی و بهبود افشا از عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی میان مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی ناشی شده است. از دیدگاه سرمایه‌گذاران سود بی‌کیفیت سبب تخصیص نابهینه منابع می‌شود (تقفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). اعتبار افشا توسط حسابرسی، تدوین استانداردها و برخی ابزارهای دیگر ارتقا می‌یابد (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱: ۴۰۶) و بهبود کیفیت افشا منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. این مطلب از چندین دیدگاه قابل توضیح است. اول اینکه افشای باکیفیت به طور موثری سبب عمومی شدن برخی اطلاعات محرمانه شده و عدم توازن اطلاعاتی میان مبادله‌کنندگان در بازار را تا حدودی کاهش می‌دهد. دوم اینکه افشای اطلاعات عمومی سبب شکل‌گیری این باور می‌شود که مبادله‌کنندگان از نظر اطلاعاتی همگونی بیشتری داشته و تمایل به احتکار اطلاعات توسط مبادله‌کنندگان مطلع را کاهش می‌دهد (شها، ۲۰۱۴: ۲۱). بعلاوه ارتقای کیفیت اطلاعات، با کاهش منافع مورد انتظار حاصل از اطلاعات محرمانه، انگیزه سرمایه‌گذاران برای کسب اینگونه اطلاعات را کاهش می‌دهد (شها، ۲۰۱۴: ۲۱؛ ورجیا، ۲۰۰۱: ۲۱). از آنجاییکه کیفیت حسابرسی یکی از اجزای کیفیت اطلاعات حسابداری افشا شده است، این بحث نشان می‌دهد که کیفیت بیشتر حسابرسی میتواند سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود. هدف این تحقیق نیز بررسی اثر کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران است و به این سوال که «آیا افزایش کیفیت حسابرسی عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش میدهد؟» پاسخ داده شده است. به این منظور سایر عوامل اثرگذار بر عدم تقارن اطلاعاتی که در ادبیات تحقیق شناسایی شده اند مورد کنترل قرار گرفته تا چگونگی اثرگذاری عامل کیفیت حسابرسی تعیین شود. اهمیت این پژوهش به دلیل لزوم شناسایی و توجه به عوامل اثرگذار بر هدف تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه است. در ادامه مقاله، پس از مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش تحقیق و یافته‌های تجربی طرح شده و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شوند.

۲- مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

یکی از مشکلات نمایندگی مربوط به ناتوانی سهامداران در ملاحظه اقدامات مدیر است. سهامدار نمی‌تواند اقدامات مدیر را به طور روزانه دنبال کند تا مطمئن شود که آیا تصمیم

گیری‌های مدیر، منطبق با منافع سهامدار است یا خیر؛ بنابراین، سهامدار فاقد اطلاعات لازم در خصوص اقدامات مدیر می‌باشد. این حالت را در اصطلاح تئوری نمایندگی، «عدم تقارن اطلاعاتی» می‌نامند. در این وضعیت اگر از جانب سهامدار اقدامی جهت کنترل تصمیمات مدیر صورت نگیرد، فقط خود مدیر می‌داند که آیا در راستای منافع سهامدار گام برداشته است یا خیر؛ از سوی دیگر، مدیر نسبت به اقداماتی که در سازمان باید صورت گیرد، بیشتر از سهامدار اطلاع اجرایی دارد. این اطلاعات اضافی مدیر، در تئوری نمایندگی «اطلاعات خصوصی» نامیده می‌شود و وجود اطلاعات خصوصی به عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامدار و مالک می‌افزاید (باشکوکا، ۲۰۱۵: ۲۱۰). یکی از راه‌های کاهش عدم تقارن اطلاعاتی انجام حسابرسی سالانه می‌باشد که این حسابرسی با کیفیت‌های مختلفی قابل انجام است. تعاریف مختلفی از کیفیت حسابرسی ارائه شده است. در ادبیات تحقیق کیفیت حسابرسی (۱) کشف و (۲) افشای تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی تعریف شده است (خورانا و رامان، ۲۰۰۴: ۴۷۵). کریسرنسن و همکاران (۲۰۱۴) با توجه به ارزیابی دیدگاه‌ها، تعاریف و شاخص‌های مطرح شده از جانب حسابرسان شاغل در حرفه و سرمایه‌گذاران به بررسی مفهوم کیفیت حسابرسی پرداختند. نتیجه تحقیق آن‌ها نشان داد حسابرسان شاغل در حرفه و سرمایه‌گذاران هر دو بر این باور هستند که ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان مهمترین عامل تعیین‌کننده کیفیت حسابرسی است. بعلاوه سرمایه‌گذاران افشاهای مربوط به ویژگی حسابرسان را پیامی درباره کیفیت بالای حسابرسی تفسیر می‌کنند.

کیفیت حسابرسی خود قابل مشاهده نبوده و اندازه‌گیری آن مشکل است، اما شاخص‌های مختلفی برای سنجش آن وجود دارد. از میان فاکتورهای متعدد سنجش کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های متفاوت، با توجه به محیط تحقیقات، عواملی چون کیفیت اقلام تعهدی، اندازه موسسه حسابرسی، طول دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت، نسبت درآمد حسابرسی به درآمد ناشی از سایر خدمات ارائه شده به صاحبکار، کیفیت کمیته حسابرسی و ... استفاده شده است. کیفیت اقلام تعهدی یکی از شاخص‌های سنجش کیفیت حسابرسی است، حسابرسانی که کار خود را با کیفیت بالاتری انجام می‌دهند، تحریف‌های حسابداری بیشتری را کشف می‌کنند و بر اقلام تعهدی صاحبکار دقت عمل بیشتری را اعمال می‌کنند (کیم و یی، ۲۰۰۹: ۲۰۸). شاخص دیگری برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، تخصص حسابرس در یک صنعت است. حسابرسی مستمر در یک صنعت خاص، دانش و تخصص حسابرسی را در آن حوزه بهبود داده و سبب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود (کریشان و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۵). شاخص دیگری در ادبیات کیفیت حسابرسی اندازه حسابرس است. در حالیکه مراجع تنظیم مقررات حسابداری بر این نکته اصرار دارند که کیفیت کار حسابرسی به کوچکی یا بزرگی

موسسه بستگی ندارد، بسیاری مدعی هستند که موسسه‌های بزرگ نسبت به موسسه‌های کوچک، کیفیت بیشتری در انجام حسابرسی دارند. تحقیقات نشان می‌دهند که موسسات حسابرسی بزرگتر خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند، زیرا علاقمند به کسب شهرت بالاتر بوده و با توجه به بالا بودن تعداد مشتریان، نگران کمبود مشتری نیستند. چنین موسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند. موسسات بزرگ حسابرسی معمولاً با دسترس داشتن منابع بیشتر، امکانات تحقیقاتی بالاتری داشته، هزینه بیشتری را صرف آموزش حسابرسان خود می‌کنند، برای افزایش کیفیت حسابرسی خود سرمایه‌گذاری نموده و حسابرسی‌های خود را با کیفیت تر انجام می‌دهند. این موسسات قادر به مقاومت بیشتر در برابر مدیریت صاحب کاران هستند، زیرا که اثر فشار صاحب کاران برای اینگونه موسسات زیاد نیست و یا اینکه شهرت و اعتبار موسسات حسابرسی اثر این فشار را از بین خواهد برد. هم چنین از دیدگاه حسابرسان مستقل و کاربران صورت‌های مالی نیز ریسک از دست دادن استقلال در موسسات حسابرسی کوچک بیشتر است (ساوان و آلساکا، ۲۰۱۲: ۲۱۴).

در ادبیات تحقیق، دوره تصدی حسابرس نیز یکی از عوامل اثرگذار بر کیفیت حسابرسی بیان شده است. در مورد چرخش اجباری حسابرسان و تاثیر آن بر کیفیت حسابرسی نیز بحث‌های موافق و مخالفی وجود دارد. موافقان چرخش اجباری در مورد اثر منفی دوره تصدی بلند مدت بر استقلال حسابرس، سه دلیل مطرح می‌کنند. بحث نخست این است که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار صاحب کار به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این مطلب می‌تواند سبب مخدوش شدن استقلال آن‌ها شود. دوم اینکه زمانی که روابط حسابرس و صاحبکار طولانی می‌شود، این دیدگاه در ذهن حسابرس به وجود می‌آید که آشنایی کاملی با وضعیت و موقعیت صاحبکار دارد و نیازی به اصلاح و تغییر برنامه‌های حسابرسی و یا انجام آزمون‌های بیشتر در خود احساس نمی‌کند. لذا احتمالاً برای برنامه ریزی حسابرسی، تعیین بودجه و تهیه اطلاعات لازم برای حسابرسی سال جاری از کاربرگ‌های سال قبل استفاده می‌کند، تنها نتایج را پیش بینی نموده و از اجرای یک حسابرسی با کیفیت دور می‌ماند. هم‌چنین دوره تصدی طولانی باعث ایجاد روابط عاطفی میان صاحبکار و حسابرسی می‌شود، تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد کرده و استقلال آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد (وارل و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۸).

درمقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرس بر این باور هستند که روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به شناخت عمیقتر حسابرس از ساختار کنترل‌های داخلی صاحبکار شده و

اثر بخشی بیشتر فرآیند حسابرسی را در پی خواهد داشت. به عبارتی با گذشت زمان یک منحنی یادگیری یا بهبود دانش برای حسابرسان شکل میگیرد و تغییر ادواری حسابرسان نمیتواند موجب افزایش کیفیت حسابرسان شود (آرادوآقایی دانشور، ۱۳۹۱: ۵۷). در موافقت با دیدگاه بهبود کیفیت حسابرسی با تغییر ادواری حسابرسان، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نیز در مرداد ۱۳۸۶ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار را تصویب و چرخش منظم موسسات حسابرسی را در دوره های زمان چهار ساله الزامی نمود است (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۶).

صرف نظر از شاخص سنجش کیفیت حسابرسی، تاثیر کیفیت حسابرسی بر فرآیند گزارشگری مالی و مبادلات بازار سرمایه اثری قابل توجه است. کیوسندی و همکاران (۲۰۱۵) با نمونه ای متشکل از ۴۲۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سنکاپور به بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. در این تحقیق اثر ویژگی های استقلال، تجربه و عضویت چندگانه اعضا در کمیته های دیگر بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی شده است. نتیجه تحقیق نشان داد توانمندی همزمان اعضای کمیته در حوزه های حسابداری یا سرپرستی سبب بهبود کیفیت گزارشگری مالی خواهد بود. همچنین عضویت دوگانه در کمیته حسابرسی و کمیته های دیگر اثری بر کیفیت گزارشگری مالی نداشته است.

تحقیقات نشان داده است که کیفیت بالاتر حسابرسی، کیفیت سود گزارش شده به سرمایه گذاران را بهبود می دهد (رینولد و فرانسیس، ۲۰۰۰؛ بالسام و همکاران، ۲۰۰۳؛ راداک و تیلور، ۲۰۰۶). برخی دیگر از تحقیقان نیز با تاکید بر هزینه سرمایه نشان داده اند که کیفیت حسابرسی باعث کاهش هزینه سرمایه در بازارهای سرمایه و بدهی شده (خورانا و رامان، ۲۰۰۶؛ هالیوال و همکاران، ۲۰۰۸؛ کاشانی پور و مومنی یانری، ۱۳۹۱) و افزایش ضریب واکنش به سود را در پی دارد (هیگز و اسکانتز، ۲۰۰۶). در این پژوهش اثر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی مورد نظر محققان قرار گرفته است. در ادبیات کیفیت حسابرسی مطرح می شود که هر چه حسابرسی های انجام شده از کیفیت بالاتری برخوردار باشد، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری میان معامله گران وجود خواهد داشت. چندیدن دلیل برای این موضوع مطرح است. اول اینکه کیفیت حسابرسی بالاتر سبب بهبود کیفیت افشا شده و افشای باکیفیت با افزایش دامنه اطلاعات عمومی سرمایه گذاران و وارد نمودن اطلاعات خصوصی به محدوده اطلاعات عمومی، سبب کاهش عدم توازن اطلاعاتی میان معامله گران می شود. ثانیاً افشای اطلاعات عمومی سبب باورهای مشابه برای معامله گران شده و احتکار اطلاعاتی معامله گران مطلع را کاهش می دهد. همچنین بهبود کیفیت افشای اطلاعات، انگیزه سرمایه گذاران برای جستجوی اطلاعات خصوصی را با کاهش منافع مورد انتظار حاصل از این اطلاعات کاهش

می دهد. از آنجاییکه کیفیت حسابرسی یکی از اجزای کیفیت اطلاعات افشا شده است، هر چه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد عدم تقارن اطلاعاتی نیز کاهش می یابد. (کلینچ و همکاران، ۲۰۱۲: ۷۴۴). این نظریه موضوع تحقیقات تجربی زیادی بوده است. کلینچ و همکاران (۲۰۱۲) رابطه میان کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی نمودند. با به کارگیری سه شاخص برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سهام و بازار اختیار معامله در دوره سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، نتایج تحقیق نشان داد کیفیت بیشتر حسابرسی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود. بارن و هلیست (۲۰۰۱) اثر کیفیت افشا بر سطح عدم تقارن اطلاعاتی در بلند مدت را آزمون نمودند. در این تحقیق اثر دو مکانیزم بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شده و نتایج نشان داد که تغییر انگیزه های معاملات برای سرمایه گذاران منجر به کاهش معامله سرمایه گذاران دارای اطلاعات خصوصی شده و کاهش انگیزه برای کسب اطلاعات خصوصی منجر به کاهش رویدادهایی می شود که اطلاعات آن ها محرمانه باقی می ماند. نتیجه تحقیق حاکی از این مطلب بود که در مورد هر مکانیزم مفروض رابطه منفی میان عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت افشا وجود دارد.

در پژوهش حاضر نیز این ایده تئوریک به طور تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. برای دست یابی به این هدف، سوال اصلی تحقیق این است که «آیا کیفیت حسابرسی سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود؟». در راستای دست یابی به پاسخ این سوال، فرضیه اصلی تحقیق به شکل زیر تدوین شده است:

میان کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری منفی وجود دارد.

باتوجه به عدم دسترسی به اطلاعات حاصل از درآمد حاصل از خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی حسابرسان، میزان تخصص حسابرسان در صنعت و باتوجه به نیاز مقایسه نتایج تحقیق با تحقیقات مشابه در ایران، برای سنجش کیفیت حسابرسی از شاخص های اندازه موسسه حسابرسی و طول دوره تصدی حسابرسان استفاده شده است. با توجه به این معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی و ادبیات تحقیق مبنی بر اثر مثبت اندازه حسابرسان و گردش حسابرسان بر کیفیت حسابرسی، فرضیات تحقیق به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه فرعی اول: میان اندازه موسسه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معنادار منفی وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: میان گردش حسابرسان و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معنادار منفی وجود دارد.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی می‌باشد. روش شناسی از نوع پس رویدادی است؛ بدین معنا که انجام پژوهش بر اساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و به منظور بررسی فرضیات تحقیق اطلاعات از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها، سایت کدال و نرم افزار ره آورد نوین استخراج شده است. دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است. نمونه‌گیری به صورت حذفی است و شرکت‌هایی که شرایط زیر را نداشتند از نمونه کنار گذاشته شدند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد.
 ۲. در طول سال مالی وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته باشند.
 ۳. در طول دوره مورد نظر زیان ده نبوده و جزو شرکت‌های واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری نباشند.
 ۴. کلیه اطلاعات مورد نظر تحقیق در مورد آنها در دسترس باشد.
- باتوجه به محدودیت‌های مذکور در نهایت ۱۰۵۰ سال/ شرکت به عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شد. همچنین جهت طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزارهای SPSS، Excel و EVIEWS نسخه شماره ۸ استفاده شده است.
- برای آزمون فرضیات تحقیق باید متغیرهای تحقیق مورد سنجش قرار گیرند. در ادبیات مالی برای اندازه‌گیری سطح عدم تقارن اطلاعاتی در بازار، معیارهای متعددی مطرح شده است. در این تحقیق برای محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی، مدل وینکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) مورد استفاده قرار گرفت. مدل مورد استفاده به شرح زیر است:

$$SPREAD_{it} = \frac{AP-BP}{(AP+BP)/2} \times 100$$

که در آن:

t: دوره زمانی مورد بررسی

i: نمونه مورد بررسی

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP (Ask Price): میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP (Bid Price): میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

برای انجام محاسبات، مشابه تحقیقات قبلی، بهترین قیمت پیشنهادی خرید و فروش هر سهم برای ۲۱ روز قبل و بعد از اعلام سود محاسبه شده و بعد از محاسبه دامنه تفاوت این دو قیمت، میانگین اعداد برای هر نمونه قبل و بعد از اعلام سود محاسبه می شود (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴). میانگین صفر نشانگر تقارن اطلاعاتی نسبت به اعلام سود و میانگین غیر صفر نشانگر عدم تقارن اطلاعاتی است.

برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از دو شاخص اندازه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی استفاده می شود. در این تحقیق سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ در نظر گرفته می شود. در این مقایسه، سایر موسسات حسابرسی کوچک تلقی می شوند. با توجه به مباحث مطرح شده و با توجه به امکان مخدوش شدن استقلال حسابرسی با طولانی تر شدن دوره تصدی و الزام چرخش حسابرسان در ایران، در این تحقیق فرض می شود دوره تصدی طولانی تر برای حسابرسی سبب افت کیفیت حسابرسی می شود. نهایتاً مدل اصلی به کار گرفته در این تحقیق به شرح زیر است: (حکیم و امری، ۲۰۰۸)

$$SPREAD_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 TENURE_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 VOLUME_{it} + \beta_5 RET_{it} + \beta_6 VOLAT_{it} + \varepsilon_{it}$$

SPREAD معیار عدم تقارن اطلاعاتی است، BIG متغیر موهومی سنجش اندازه حسابرسی است، اگر در طول دوره تحقیق حسابرسی صاحبکار سازمان حسابرسی باشد، این متغیر ۱ و در غیر این صورت صفر است. TENURE متغیر دوره تصدی است و نشانگر تعداد سالهای متوالی است که حسابرسی صاحبکار را بر عهده داشته است. SIZE لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام، VOLUME لگاریتم طبیعی تعداد سهام معامله شده، RET بازده سهم و VOLA انحراف معیار بازده است. ۴ متغیر آخر، متغیر کنترل هستند. بازده سهام به صورت لگاریتمی و با استفاده از فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$RET_{it} = \ln \left(\frac{P_{i,t}}{P_{i,t-1}} \right)$$

که در آن $P_{i,t}$ قیمت سهم i در روز t و $P_{i,t-1}$ قیمت سهم i در روز t-1 می باشد.

۴- یافته ها

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	کشیدگی	چولگی
اندازه حسابرسی	۰/۲۳۱۴	۰/۴۲۱۹	۱	۰	-	-
دوره تصدی	۵/۴۲۸۶	۳/۲۶۱۰	۱۰	۱	۱/۵۳۰۱	۰/۰۷۹۵

۱۰۱/ نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی

اندازه شرکت	۱/۴۱۲	۱/۷۳۷۱	۵۹۱۵/	۰/۴۱۰	۰/۰۹۰۰	۰/۵۶۶۸
	۲۷		۳۲	۲۳		
حجم معاملات	۳۵۱۳/	۲/۲۵۳۷	۴۲۷۷/	۷/۲۰۸۶	۰/۳۹۳۲	۰/۴۳۰۰
	۱۵		۲۵			-
بازده روزانه سهم	۰/۰۲۲۴	۰/۲۳۶۰	۱/۷۹۶۱	۱/۲۸۴۲	۳/۰۷۸۱	۰/۴۶۵۸
						-
انحراف معیار	۰/۰۳۴۲	۰/۰۲۱۳	۰/۳۴۲۶	۰/۰۰۰۳	۴۲۲۹/	۲/۸۵۰۲
بازده					۱۴	
تعداد نمونه: ۱۰۰۵۰ شرکت/سال						

همانگونه که گفته شد، متغیر اندازه حسابرسی به صورت صفر یا یک می باشد، بدین صورت که اگر حسابرسی سازمان حسابرسی بوده باشد، مقدار متغیر یک و در غیر اینصورت مقدار آن صفر خواهد بود که اعداد جدول نیز نشان دهنده این مطلب است. دوره تصدی حسابرسی در یک شرکت نیز از یک سال تا ده سال متغیر بوده که ده سال مربوط به نمونه ای است که سازمان حسابرسی حسابرسی آن بوده است. به منظور اندازه گیری متغیر اندازه شرکت از ارزش بازار سهام شرکت استفاده شده است که به دلیل نرمال نبودن این عدد، از آن لگاریتم طبیعی گرفته شده است. اعداد مربوط به کشیدگی و چولگی، نرمال بودن اندازه شرکت را نشان می دهد.

در جدول (۲) همبستگی بین متغیرهای تحقیق نشان داده شده است:

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

شرح متغیر	اندازه حسابرسی	دوره تصدی	اندازه شرکت	حجم معاملات	بازده روزانه سهم
دوره تصدی	۰/۴۳۳**				
ضریب همبستگی					
معناداری آماری	۰,۰۰۰				
اندازه شرکت	۰/۲۰۷**	۰/۴۷۲**			
ضریب همبستگی					
معناداری آماری	۰,۰۰۱	۰,۰۰۴			
حجم معاملات	۰/۱۶۸**	۰/۱۰۵**	۰/۵۹۸**		
ضریب همبستگی					
معناداری آماری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱		
بازده روزانه	۰/۰۱۲	-۰/۰۶۷	۰/۰۹۸	۰/۱۹۸**	
ضریب همبستگی					

سهم	همبستگی	معناداری آماری	۰,۶۹۹	۰,۵۵۵	۰,۴۱۲	۰,۰۰۱
انحراف	ضریب	۰/۰۶۹	-۰/۰۳۷	-۰/۰۲۵	-۰/۰۱۲	-۰/۰۲۰
معیار بازده	همبستگی	معناداری آماری	۰,۰۴۸	۰,۱۲۶	۰,۳۸۵	۰,۱۶۶
معنی داری در سطح ۱ درصد خطا (آزمون دو دنباله)						

برای آزمون همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج بین متغیر انحراف معیار بازده با هیچیک از سایر متغیرها همبستگی معنی داری وجود ندارد. بازده سهم نیز تنها با متغیر حجم معاملات دارای همبستگی معنی دار می باشد و همبستگی این متغیر با سایر متغیرها معنی دار نیست. در جدول (۳) نتایج تخمین مدل تحقیق نشان داده شده است:

جدول (۳): نتایج تخمین مدل تحقیق

نام متغیر	ضریب	اماره t	معناداری ضریب
عرض از مبدا	۴۷/۴۶	۶/۷۹	۰,۰۰
اندازه حسابرِس	-۰/۲۹	-۰/۱۸	۰,۹۶
دوره تصدی	۰/۱۱	۰/۵۵	۰,۵۲
اندازه شرکت	-۰/۲۲	-۰/۸۸	۰,۴۴
حجم معاملات	-۲/۹۸	-۱۱/۳۲	۰,۰۱
بازده روزانه سهم	-۱/۷۷	-۰/۸۸	۰,۳۳
انحراف معیار بازده	۱۳۳/۱۱	۵/۶۶	۰,۰۰
آماره F: ۵۵/۸۱		معناداری: ۰,۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۹		آماره دوربین واتسون: ۱/۵۹۷	

طبق نتایج بدست آمده مقدار آماره $F_{55/81}$ و سطح معنی داری آن تقریباً صفر می باشد که نشان دهنده معنی داری کلی مدل تحقیق است. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون که برابر با $1/597$ است که عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهای تحقیق را نشان می دهد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز $0/29$ است که با توجه به ماهیت تحقیق و نتایج تحقیقات مشابه، سطح قابل قبولی می باشد.

ضریب متغیر اندازه حسابرِس $-0/29$ ، مقدار آماره t آن $-0/18$ و سطح معنی داری آن $0/96$ است. این نتایج نشان می دهند علی رغم وجود رابطه منفی بین عدم تقارن اطلاعاتی و اندازه حسابرِس به عنوان یکی از سنجه های کیفیت حسابرِس، این رابطه معنادار نمی باشد. همچنین ضریب متغیر دوره تصدی $0/11$ ، مقدار آماره t آن $0/55$ و سطح معنی داری آن $0/52$ است. طبق این نتایج، بر خلاف انتظار بین عدم تقارن اطلاعاتی و دوره تصدی به عنوان دیگر سنجه

کیفیت حسابرسی، رابطه مثبت برقرار است اما این رابطه با توجه به بیشتر بودن سطح معنی داری آماره t از ۵ درصد، معنی دار نیست. با توجه به نتایج آماری فرضیه های فرعی تحقیق و در نتیجه فرضیه اصلی مبنی بر ارتباط معنادار عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی رد می-شود.

از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیر حجم سهام مبادله شده و متغیر انحراف معیار بازده با ضرایب ۲/۹۸- و ۱۳۳/۱۱، با عدم تقارن اطلاعاتی دارای رابطه معنی دار می باشند. این بدین معنی است که با افزایش حجم سهام مبادله شده، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش و با افزایش انحراف معیار بازده (نوسان)، عدم تقارن اطلاعاتی نیز افزایش می یابد.

۵. بحث و نتیجه گیری

نتیجه این پژوهش نشانگر عدم اثر گذاری اندازه موسسه حسابرسی و گردش حسابرس بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. در واقع در بازار سرمایه ایران کیفیت حسابرسی، که با شاخص های دوره تصدی و اندازه حسابرس سنجیده شده است، بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بی تاثیر بوده است. این نتیجه که بر خلاف انتظارات مبتنی بر ادبیات تحقیق و مغایر با نتایج مشابه انجام شده توسط کلینچ و همکاران (۲۰۱۱) است، می تواند به دلیل عدم درک بازار سرمایه ایران از اثر حسابرسی و کیفیت آن بر بهبود گردش اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی باشد که نشانگر ضعف اطلاعاتی سرمایه گذاران از ساز و کارهای بهبود کیفیت بازار سرمایه است. نتیجه تحقیق حاکی از لزوم آموزش به مشارکت کنندگان بازار درباره ساز و کارهایی است که توجه به آنها می تواند ریسک سرمایه گذاری را در بازار را کاهش داده و منجر به افزایش ثروت آنها شود. نتیجه حاصل از این تحقیق را می توان به شکل دیگری نیز تفسیر نمود؛ از آنجاییکه برداشت از کیفیت حسابرسی و کیفیت واقعی حسابرسی دو مفهوم متفاوت است، ممکن است برداشت مشارکت کنندگان بازار این باشد که کیفیت حسابرسی های انجام شده پایین است، حتی حسابرسی هایی که با شاخص های این تحقیق با کیفیت در نظر گرفته می شوند. لذا با این نگرش گزارش حسابرسی های انجام شده با کیفیت نیز نتوانسته سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی آنها شود. اگر نتیجه تحقیق اینگونه تفسیر شود باید برداشت استفاده کنندگان گزارش های حسابرسی را تغییر داد. کنترل کیفیت حسابرسی های انجام شده و اطلاع رسانی درباره این ارزیابی ها و اقدامات انضباطی که در مورد حسابرسان خاطی انجام می شود می تواند به بهبود برداشت بازار از کیفیت حسابرسی منجر شود. هم چنین برگزاری دوره های تخصصی در حوزه اثر کیفیت حسابرسی بر مطلوبیت صورت های مالی ارائه شده برای سرمایه گذاران و یا ارائه نشریاتی در این زمینه می تواند سبب آگاهی مشارکت کنندگان بازار درباره اثر حسابرسی بر کاهش ریسک سرمایه گذاری آنان شود. به علاوه اطلاع رسانی

درباره نظارت های حاکم بر موسسات حسابرسی و تشدید آنان می تواند برداشت بازار در مورد کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. الزام شرکت ها به افشا درباره ویژگی های حسابرسان خود سبب توجه بیشتر سرمایه گذاران به اثر این ویژگی ها بر کیفیت گزارشگری مالی شده و می تواند میزان استفاده آنها از صورت های مالی که با کیفیت بیشتری حسابرسی شده اند را بهبود بخشد. برای انجام تحقیقات آتی پیشنهاد می شود محاسبه کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از شاخص های دیگری انجام شده و نتایج با نتیجه این تحقیق مقایسه شود. بعلاوه تحقیق این موضوع در صنایع مختلف، به تفکیک صنعت و یا انجام تحقیق در دوره طولانی تر و مقایسه با نتایج این تحقیق می تواند جالب توجه باشد.

کتابنامه

۱. آراد، حامد و آقای دانشور، بهنوش. (۱۳۹۱). کیفیت حسابرسی. *مجله حسابداری*، ۲۴۲: ۵۴-۵۹.
۲. ثقفی، علی، بلو، قاسم و دانا، محمد مهدی. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی. *فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱۶: ۱۶-۱.
۳. کاشانی پور، محمد و مومنی یانسری، ابوالفضل. (۱۳۹۱). بررسی نقش عدم تقارن اطلاعاتی در تصمیمات ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۴: ۱-۲۱.
۴. دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران. (۱۳۸۶).
- شورای عالی بورس و اوراق بهادار.
۵. قائمی، محمد حسین و محمد رضا وطن پرست. (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۴۱: ۴-۲۰.

6. Almutairi, A.R., & Skantz, T. (2009). Auditor tenure, auditor specialization and information asymmetry. *Managerial Auditing Journal*. 24(7), 23-60.

7. Brown, S., Finn, M & Hillegeist, S. (2001). Disclosure Quality and the Probability of Informed Trade. Working paper. Northwestern University.

8. Boshkoska, M. (2015). The Agency Problem: Measures for Its Overcoming. *International Journal of Business and Management*. 10(1): 204-209.

9. Bhushan, R. (1989). Firm Characteristics and Analyst Following. *Journal of Accounting and Economics*. 11(2): 255-274.

10. Chrisensen, B., Glover, S., & Omer, T. M. (2014). Understanding Audit Quality: Insights from Audit Professionals and Investors. *Contemporary Accounting Research*. 26:120-132.
11. Clinch, G., Stokes, D., & Zhu, T. (2012). Audit Quality and Information Asymmetry between Traders. *Accounting & Finance*. 52(3):743-765.
12. Dhaliwal, D., & Gleason, C & Heitzman, S & Melendrez, M. (2008), Auditor Fees and Cost of Debt. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*. 23(1):1-22.
13. Hakim, F., & Omri, M. A. (2010). Quality of external auditor, information asymmetry and bid-ask spread. *International Journal of Accounting and information management*. 18(1), 5-18.
14. Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*. 31(1/3), 405-440.
15. Higgs, J., & Skantz, T. (2006). Audit and Nonaudit Fees and the Market's Reaction to Earnings Announcements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 25(1): 1-26.
16. Kusnadi, Y., & Leong, K. Suwardy, T., & Wang, J. (2015). Audit Committees and Financial Reporting Quality in Singapore. *School of Accountancy Research Paper Series*. 3(2):1-48.
17. Khurana, I., Raman, K. (2004). Litigation risk and the financial reporting credibility of Big 4 versus non-Big 4 audits: Evidence from Anglo- American countries. *Accounting Review*. 79(2):473-495.
18. Kim, J.B., & Yi, C.H. (2009). Does auditor designation by the regulatory authority improve audit quality? Evidence from Korea. *Journal of Accounting and Public Policy*. 28(3): 207-230.
19. Reynolds, J., & Francis. (2000). Does Size Matter? The Influence of Large Clients on Office-level Auditor Reporting Decisions. *Journal of Accounting and Economics*. 30(3):375-400.
20. Ruddock, C., & Taylor, T. (2006). Nonaudit Services and Earnings Conservatism: Is Auditor Independence Impaired? *Contemporary Accounting Research*. 23(3): 701-746.
21. Shehata, N. (2014). Theories and Determinants of Voluntary Disclosure. *Accounting and Finance Research*. 3(1):18-26.

22.Sawan, N., & Alsaqqa,l. (2013). Audit firm size and quality: Does audit firm size influence audit quality in the Libyan oil industry? *African Journal of Business Management*. 7(3): 213-226.

23.Venkatesh, P. C., & Chiang,R. (1986). Information Asymmetry and the Dealers Bid Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. *The Journal of Finance*. 41(5): 1089-1102.

24.Verrecchia, R. (2001). Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics*. 32(1/3): 97-180.